

# یعقوب - اسرائیل



## بعد از ظهر روز سبت

**مطالعه این هفته:** پیدایش ۳۲: ۲۲ تا ۳۱؛ هوشع ۱۲: ۳، ۴؛ ارمیا ۳۰: ۵ تا ۷؛ پیدایش ۳۳: پیدایش ۳۴: ۳۰ تا ۳۵: ۲۹.

**آیه حفظی:** «آنگاه آن مرد گفت: «از این پس نام تو نه یعقوب بلکه اسرائیل خواهد بود، زیرا با خدا و انسان مجاهده کردی و چیره شدی» (پیدایش ۳۲: ۲۸).

حماسه خانوادگی یعقوب، چه خوب و چه بد، ادامه دارد. با این حال، از طریق همه این حوادث، دست خدا و وفاداری او به وعده های عهد آشکار می شود.

این هفته بخش بیشتری از زندگی یعقوب مورد بررسی قرار می گیرد، اکنون که او لابان را ترک کرده و به خانه برگشته، مجبور است با عیسو، قربانی خیانت خود، روبرو شود. برادری که به سختی به او ظلم شده است، حال با او چه می کند؟

لطف ظهور خداوند مجدداً شامل حال یعقوب شد که در ترس از آنچه که در انتظارش بود بسر می برد، و واقعه ای رخ داد که پیش درآمدی بود برای آنچه که بعداً به عنوان «زمان تنگی یعقوب» شناخته شد (رجوع کنید به ارمیا ۳۰: ۵ تا ۷). و در آن شب، یعقوب فریبکار، «اسرائیل» نامیده شد، نامی جدید برای آغازی جدید، آغازی که در نهایت منجر به ایجاد قومی به نام او خواهد شد.

به عبارت دیگر، علیرغم همه اتفاقاتی که می افتد، داستان بزرگان خاندان و خانواده آنها در کتاب مقدس بیان می شود تا به ما نشان دهد که خدا در محقق ساختن وعده های خود وفادار است، و اینکه او این کار را انجام خواهد داد علیرغم آنچه که گاهی به نظر می رسد خبری نیست اما قوم او تمام تلاش خود را برای جلوگیری از تحقق آن انجام می دهند.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۴ خرداد - ۴ ژوئن آماده شوید.

## گُشتی گرفتن با خدا

یعقوب که لابان را ترک کرده، به زودی تجربه دیگری با خدا پیدا می‌کند. همچنین می‌فهمد که برادرش، عیسو، با «چهارصد نفر» (پیدایش ۳۲: ۶) به استقبال او می‌آید. یعقوب با شور و حرارت نزد خداوند دعا می‌کند، هرچند او این را تصدیق می‌کند که، «من ارزش این همه محبت و وفا را که به بنده خود نشان داده‌ای، ندارم» (پیدایش ۳۲: ۱۰). واقعاً یعقوب بخوبی می‌فهمید فیض چیست. و خداوند چگونه پاسخ داد؟

پیدایش ۳۲: ۲۲ تا ۳۱ و هوشع ۱۲: ۳، ۴ را بخوانید. اهمیت و برجستگی روحانی این داستان شگفت‌انگیز چیست؟

یعقوب از اتفاقی که در حال رخ دادن است هراسان و مضطرب است و پس از انجام هر کاری که می‌تواند برای محافظت از خانواده‌اش انجام دهد، هنگام شب اردو می‌زند. سپس، او به طور ناگهانی مورد حمله «مردی» قرار می‌گیرد (پیدایش ۳۲: ۲۴). این اصطلاحی است که می‌تواند معانی خاصی داشته باشد، تجلی حضور الهی (اشعیا ۵۳: ۳ را ببینید). دانیال از آن برای اشاره به کاهن آسمانی یعنی میکائیل استفاده کرد (دانیال ۱۰: ۵)؛ همچنین این کلمه ای بود که یوشع برای نشان دادن «سردار لشکریان خداوند»، که خود خداوند یهوه بود، استفاده کرد (یوشع ۵: ۱۳ تا ۱۵).

در واقع، در میانه نبرد، باید برای یعقوب آشکار شده باشد که او با خود خدا درگیر است، زیرا گفته‌های او، «تا مرا برکت ندهی نمی‌گذارم بروی!» (پیدایش ۳۲: ۲۶) این موضوع را آشکار می‌کند. با این حال، به شور و حرارت با خدا دست به گریبان است و از رها کردن او دست بر نمی‌دارد، همچنین آشکار می‌سازد که شوق بخشیده شدن دارد و می‌خواهد با خداوندش روراست باشد.

«گاهی که یعقوب برای بدست آوردن نخست زادگی از طریق نیرنگ مرتکب شده بود، اینک به روشنی در مقابل وی قرار داشت. او وعده‌های خداوند را باور نکرده بود، بلکه سعی کرده بود با تلاشهای خویش چیزی را موجب شود که خداوند قصد داشت تا در زمان مناسب و به روش خودش آن را تحقق بخشد و خداوند برای اینکه به یعقوب نشان دهد که گناه او را بخشیده است، نام او را تغییر داد» (الن جی وایت، مشایخ و انبیا، صفحه ۱۹۷ و ۱۹۸).

و دلیل اینکه او بخشیده شده بود، تغییر نام او از نامی که یادآور گناهش بود به نامی بود که یادآور پیروزی او بود. فرشته گفت: «از این پس نام تو نه یعقوب بلکه اسرائیل خواهد بود، زیرا با خدا و انسان مجاهده کردی و چیره شدی» (پیدایش ۳۲: ۲۸).

تجربه خود شما در مورد کشتی با خدا چه بوده است؟ انجام این کار به چه معناست و چرا گاهی برای ما داشتن چنین تجربه ای مهم است؟

## دوشنبه

۱۰ خرداد

### برادران دیدار می کنند

از فنیئیل، جایی که یعقوب «چهره خدا» را دید (نگاه کنید به پیدایش ۳۲: ۳۰)، اکنون او حرکت می کند تا برادرش را ملاقات کند. پس از ۲۰ سال جدایی، یعقوب او را همراه با ۴۰۰ مرد در برابر خود می بیند (پیدایش ۳۳: ۱). یعقوب نگران است، و بنابراین خود و خانواده اش را برای هر آنچه که ممکن است اتفاق بیفتد، آماده کند.

پیدایش ۳۳ را بخوانید. چه ارتباطی بین تجربه یعقوب هنگام دیدن صورت خدا در فنیئیل و تجربه یعقوب هنگام دیدن چهره برادرش، وجود دارد؟ پیامدهای این ارتباط در مورد رابطه ما با خدا و ارتباط ما با «برادران» ما، هر کسی که ممکن است باشد، چیست؟

یعقوب هفت بار در مقابل برادرش تعظیم کرد (پیدایش ۳۳: ۳) کسی که یعقوب چندین بار او را «سروم» خواند (پیدایش ۳۳: ۸، ۱۳، ۱۵) و خود را به عنوان «بنده» او معرفی کرد (پیدایش ۳۳: ۵؛ را با پیدایش ۳۲: ۴، ۱۸، ۲۰ مقایسه کنید). به طور قابل توجهی، هفت بار تعظیم یعقوب، یادآور هفت برکت پدرش است که به دست آورد (پیدایش ۲۷: ۲۷ تا ۲۹). علاوه بر این، هنگامی که او تعظیم کرد، او دقیقاً خلاف برکت پدر خود عمل می کند، در خصوص اینکه «ملت ها در برابر تو تعظیم کنند» (پیدایش ۲۷: ۲۹).

به نظر می رسد که قصد یعقوب این بود که بدهی خود را به برادرش بدهد و برکتی را که از او به سرقت رفته است، بازگرداند (به پیدایش ۳۳: ۱۱ مراجعه کنید). هنگامی که عیسو برادرش را بر خلاف تصوراتش دید، به سویس دوید و به جای کشتن او، «او را بوسید، و هر دو آنها گریه کردند» (پیدایش ۳۳: ۴).

بعدها، یعقوب به عیسو گفت: «دیدن روی تو برای من مثل اینست که خدا را دیده ام» (پیدایش ۳۳: ۱۰). دلیل این اظهارات فوق العاده یعقوب، درک او از این امر است که عیسو او را بخشیده است. فعل عبری Ratesah، «خشنود ساختن» (پیدایش ۳۳: ۱۰) یک اصطلاح الهیاتی است که به هر گونه قربانی که خدا را «خشنود ساخته» و توسط او «پذیرفته شده» اشاره می کند، که بنابراین، دلالت بر بخشش الهی دارد (لاویان ۲۲: ۲۷؛ عاموس ۵: ۲۲).

تجربه یعقوب از بخشش خدا در فنیئیل، جایی که او چهره خدا را دید، اکنون در تجربه او از بخشش برادرش تکرار شده است، که او آنرا به مانند دیدن چهره خدا توصیف می کند. یعقوب در موقعیت دومین فنیئیل زندگی خود قرار دارد، اولین کسی که برای دومین بار آماده

می شود. یعقوب توسط خدا و برادر خود بخشیده شده است. براستی، او اکنون باید بیشتر از قبل معنای فیض را درک کند.

در خصوص فیض بخشش از سوی دیگران (علاوه بر خداوند) چه آموخته اید؟

۱۰ اسفند

سه شنبه

## تجاوز به دینه

اکنون که یعقوب با برادرش آشتی کرده است، او می خواهد در سرزمین کنعان در صلح و دوستی سکونت کند. کلمه شالِم، «سلامتی و امنیت» (پیدایش ۳۳: ۱۸)، از کلمه shalom، «صلح و آرامش»، برای اولین بار، ماهیت سفر او را مشخص می کند. پس از خرید یک قطعه زمین از ساکنان (پیدایش ۳۳: ۱۹)، او مذبحی را در آنجا بر پا می کند، تا ایمان و ادراکش از اینکه چگونه حقیقتا به پروردگار وابسته است را نشان دهد. هر قربانی که تقدیم می شد، یک عمل عبادی بود. با این حال، یعقوب -اسرائیل برای اولین بار در زندگیش، در معرض مشکلات مستقر شدن در این سرزمین است. یعقوب مانند اسحاق در جرار (پیدایش ۲۶: ۱ تا ۳۳)، تلاش می کند تا با ابیملک بر سر محل اقامت با کنعانی ها به توافق به برسد.

پیدایش باب ۳۴ را بخوانید. چه اتفاقی افتاد که برنامه های او را برای یک زندگی صلح آمیز برهم زد؟

داستان این حادثه ناپاک و رقت بار نشان دهنده وجود ابهام و تناقض در شخصیت های داستان و اعمال آنهاست. شکیم هوسران که به دینه تجاوز می کند، همچنین به عنوان عاشق مخلص و دوستدار معرفی شده است و می خواهد سعی کند تا عمل قبیح خود را جبران کند. او حتی حاضر است که مشقات و سختی شرط مراسم ختنه را متحمل شود. در همین حال، شمعون و لوی، که خود را به عنوان مدافعان خدا و فرمان های او نشان می دهند، و کسانی که مخالف ازدواج با دختران کنعانی ها هستند (لویان ۱۹: ۲۹)، به دروغ و نیرنگ (پیدایش ۳۴: ۱۳) متوسل می شوند و آماده کشتن و غارت مردم هستند (پیدایش ۳۴: ۲۵ تا ۲۷). اقدامات آنها نه تنها شرم آور و ناپسند بود (چرا فقط آن کسی که خلاف کرده بود مجازات نمی شد؟)، بلکه قابلیت ایجاد مشکلات خیلی بیشتری را داشت.

در مورد یعقوب، او فقط نگران صلح و آشتی است. هنگامی که تجاوز به دخترش به او گزارش داده می شود، او چیزی نمی گوید (پیدایش ۳۴: ۵). اما، پس از آنکه او در مورد آنچه پسرانش انجام داده اند، می شنود، به طور صریح آنها را به خاطر عواقب و پیامد اعمالشان

سرزنش می کند: «شما بر سر من بلا آوردید زیرا مرا در مشام ساکنان این سرزمین، یعنی کنعانیان و فریزیان، بوی گند ساختید. شمار من اندک است و اگر آنان بر ضد من گرد آیند و بر من حمله آورند، من و اهل خانه‌ام نابود خواهیم شد» (پیدایش ۳۴: ۳۰).

ما به دفعات فریب و نیرنگ، و همچنین کردار مهربانانه و فیض را در این روایت‌ها می‌بینیم. این قضیه در مورد طبیعت بشر چه چیزی به ما می‌گوید؟

## چهارشنبه

۱۱ خرداد

## رواج بت پرستی

پیدایش ۳۴: ۳۰ تا ۳۵: ۱۵ را بخوانید. از آنچه که در اینجا اتفاق افتاد، در مورد عبادت واقعی چه درس‌هایی می‌توانیم بگیریم؟

بلافاصله پس از نگرانی یعقوب از اینکه صلح او با کنعانی‌ها به خطر انداخته شده است (پیدایش ۳۴: ۳۰)، و پس از آنکه دو پسرش ملامت شدند (پیدایش ۳۴: ۳۰)، خدا از یعقوب می‌خواهد تا شکیم را ترک کند و به منظور تجدید پیمان با او به بیت تیل بازگردد. در واقع، خداوند به او می‌گوید که، هنگامی که او به آنجا رسید، باید یک قربانگاه بسازد. در همین حال، اولین چیزی که پس از فرمان خدا به یعقوب ثبت شده است، اینست که یعقوب به مردم خود می‌گوید که بت‌های کنعانی را که در غارت شهر شکیم بدست آورده بودند و همچنین خدایان پدران راحیل که توسط راحیل به سرقت رفته بود را از خود دور کنند (پیدایش ۳۱: ۱۹، ۳۲). همه اینها همچنین به منظور عهد با خدا بسیار مهم هستند. احتمالاً، این بت‌ها به رغم تعهد یعقوب به خدا حفظ شده بودند تا عبادت شوند. برای یعقوب کافی نبود که شکیم را ترک کند تا از نفوذ کنعانیان در امان بماند. یعقوب باید از شر بت‌های درون اردوگاهی که در قلب مردمش رسوخ کرده بودند خلاص می‌شد. روند توبه و مغفرت چیزی بیش از یک حرکت فیزیکی از یک مکان به مکان دیگر، یا یک حرکت از یک کلیسا به کلیسای دیگر است. مهم‌تر از همه، این است که ما فیض خدا طلبیده تا بت پرستی را از قلب‌هایمان بزدا کنیم، صرف نظر از اینکه کجا زندگی می‌کنیم، زیرا می‌توانیم از هر چیزی بت بسازیم.

از آنجا که یعقوب از خدا اطاعت می‌کند و عملکرد او بر اساس فرمان خداوند است، خدا در نهایت مداخله می‌کند و «ترس از جانب خدا بر شهرهای اطرافشان مستولی شد، چندان که پسران یعقوب را تعقیب نکردند» (پیدایش ۳۵: ۵). پس، یعقوب آماده است تا با «همه افرادی که با او بودند» (پیدایش ۳۵: ۶) خدا را عبادت کند، این نشان می‌دهد که وحدت خانواده احیا شده است. یعقوب این مکان را به نام ایل بیت تیل نامید که یادآور رویای او از

نردبان است، نشانه ای از اینکه ارتباط بین آسمان و زمین، که برای مدتی شکسته و قطع شده بود، اکنون دوباره برقرار شده است.

این بار تاکید بیشتر بر خدای بیت تیل است تا خود مکان. این ذکر شخصی دوباره طنین انداز می شود، هنگامی که خدا به یعقوب نامش «اسرائیل» (پیدایش ۳۵: ۱۰) را یادآوری می کند، همراه با وعده مضاعفی که این برکت بر آن دلالت دارد. اولاً، برکت یعقوب به معنای باروری، انتقال بذر مسیحایی و نسل بسیاری از ملل است (پیدایش ۳۵: ۱۱)؛ و ثانیاً، به سرزمین موعود اشاره می کند (پیدایش ۳۵: ۱۲).

چه شیوه های زیرکانه ای وجود دارند که از طریق آنها بت پرستی می تواند راه خود را به قلب ما پیدا کند، و چه کاری می توانیم در مورد آن انجام دهد؟

۱۲ خرداد

پنجشنبه

## مرگ راحیل

پیدایش باب ۳۵: ۱۵ تا ۲۹ را بخوانید. یعقوب با چه مشکلات دیگری در خانواده ناکارآمد و پریشان خود مواجه شد؟

به محض اینکه یعقوب بیت تیل را ترک می کند، سه حادثه مرتبط با هم آخرین مرحله سفر او را به سمت سرزمین های وعده داده شده نشان می دهند: آخرین فرزند یعقوب متولد می شود؛ راحیل می میرد و رثوین اولین پسر یعقوب از لیه، با بلهه، متعه یعقوب همبستر می شود. اگرچه متن کتاب مقدس نمی گوید که چرا مرد جوان این کار بسیار شروانه را انجام می دهد، این می توانست به این دلیل باشد که می خواست به نحوی تولد پسر یعقوب را بی حرمت کند و به یاد و خاطره راحیل اهانت کند. ما فقط نمی دانیم، چرا!.

به مجرد خروج یعقوب از بیت تیل، سه واقعه مرتبط با هم، نشان از این دارد که او آخرین گام را برای سفر به سوی سرزمین موعود برداشته است: (۱) آخرین پسر یعقوب به دنیا می آید. (۲) راحیل فوت می کند. و (۳) روئین، اولین پسر یعقوب از لیه، با کنیز یعقوب همبستر می شود. اگرچه آیات نمی گویند که چرا مرد جوان دست به چنین کار بدی می زند، اما می توانست به نوعی تولد آخرین پسر یعقوب را لوث کند و خاطره راحیل را به پستی و حقارت بکشانند. ما از صحت این موضوع ناآگاهیم.

تولد آخرین پسر یعقوب با بیت لحم مرتبط می باشد (پیدایش ۳۵: ۱۹)، که در محدوده سر زمین موعود قرار دارد. پس، این تولد، اولین تحقق وعده خدا برای آینده اسرائیل است. قابله، همچون یک نبی راحیل را با همان کلماتی که خداوند برای اطمینان دادن به ابراهیم بکار برد، خطاب می کند: «مترس» (پیدایش ۳۵: ۱۷) را با پیدایش ۱۵: ۱ مقایسه کنید).

قابل توجه است که، یعقوب نامی را که راحیل در حال مرگ به پسرش داد، بن اونی به معنای «پسر غم و اندوه من»، برای نشان دادن درد و اندوهش را، به بنیامین، به معنای «پسر دست راست» تغییر داد، شاید به این ترتیب به سمت جنوب اشاره می کرد تا امید خود را در سرزمین های وعده داده شود و همه آنچه که خدا گفته بود، پس از آنکه آنها در آنجا مستقر شدند، برای قوم خود انجام خواهد داد را بیان کند.

با این حال، در این دوران، رئوبین با بلهه، متعه پدرش و کنیز راحیل روابط جنسی برقرار می کند (پیدایش ۳۵: ۲۵؛ پیدایش ۳۰: ۳). ما نمی دانیم چرا او این عمل شنیع را انجام داده است، مگر اینکه نمونه دیگری از تباهی انسان باشد.

شگفت آور اینکه، یعقوب در مقابل این تجاوز وحشتناک سکوت می کند، هرچند در مورد آن به او گفته شده است (پیدایش ۳۵: ۲۲). شاید در این مرحله از زندگیش، یعقوب به خدا اعتماد می کند که به رغم گناه و شر که در اطراف او اتفاق می افتد، خدا کلام خود را تحقق خواهد بخشید.

این درسی دقیق از ایمان است که در فهرست ۱۲ پسر یعقوب که اجداد اسرائیل خواهند بود ذکر شده است (پیدایش ۳۵: ۲۲ تا ۲۶). مردمانی نه چندان محبوب، مهربان، و نیکو، همانگونه که خواهیم دید. با این حال، با وجود تمام مشکلات، تمام پریشانی ها و سوء عملکردها، حتی شرارت کامل، مانند عمل رئوبین با بلهه، اراده خدا از طریق این خانواده انجام می شود، مهم نیست که چقدر این خانواده در آشفتگی بودند.

حتی با وجود خطای انسانی، اهداف نهایی خداوند محقق می شود. تصور کنید چه اتفاقی می افتد اگر مردم همکاری کنند، اگر از او اطاعت کنند. یعنی، با رنج و استرس و تعلل کمتر انسان، چقدر اراده خدا راحت تر می تواند انجام شود؟

## ۱۳ خرداد

## جمعه

**تفکری فراتر:** معراج مسیح به آسمان نشان از آن داشت که پیروانش برکت موعود را دریافت می کنند و به این خاطر آنها باید منتظر می بودند، پیش از اینکه خدمتشان را آغاز کنند. زمانی که مسیح از دروازه های آسمانی گذشت، او در میان ستایش فرشتگان بر تخت سلطنت نشست. به محض اینکه این مراسم پایان یافت، روح القدس با شکوه تمام بر سر شاگردان نازل شد و مسیح به راستی جلال یافت، متناسب به جلالی که از ازل داشت. اعطای روح القدس در پنطیکاست (عید پنجاهه) ابلاغیه آسمان بود مبنی بر اینکه انتصاب نجات دهنده کامل شد. مطابق با وعده اش او روح القدس را از آسمان برای پیروانش فرستاده بود مانند نشانی که بعنوان کاهن و پادشاه همه اختیارات در آسمان و بر روی زمین را دریافت نمود و یگانه برگزیده و مسیح شده برای قومش شد».

آنها می توانستند با اطمینان از نام عیسی صحبت کنند؛ آیا او دوست و برادر ارشدشان نبود؟ بلکه به رابطه ای نزدیک تری با مسیح آورده شدند و با او در مکان های آسمانی

نشستند. آنها با چه زبان سوزانی به ایده هایشان جامه پوشانیدند وقتی به او شهادت می دادند!» (الن جی وایت، اعمال رسولان، صفحه ۳۸ و ۴۶).

## سوالاتی برای بحث:

۱. چرا ضعف یعقوب فرصتی مناسب برای تجلی فیض و رحمت خداست؟ چگونه تجربه یعقوب با اظهارات پولس مرتبط است، «زیرا وقتی ناتوانم، آنگاه توانایم» (دوم قرنتیان ۲: ۱۰).

۲. بنظر شما چرا کتاب مقدس بسیاری از جزئیات پست و ناپاک در مورد زندگی بسیاری از شخصیت هایش را آشکار می کند؟ چه هدفی را می تواند از انجام این کار داشته باشد؟ چه پیامی را می توانیم از آن دریافت کنیم؟

۳. بر روی مسئله بت پرستی بیشتر تمرکز کنید. بت‌های فرهنگ و تمدن ما چه هستند؟ چگونه می توانیم مطمئن شویم که کسی یا چیزی غیر از خداوند را نمی پرستیم؟

---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---